فهرست

[مقدمه 2](#_Toc89776001)

[بحث هشتم: اشتراط وجود شخصی در صدق اهانت 2](#_Toc89776002)

[کراهت توهین در خلوت 3](#_Toc89776003)

[شرط نبودن وجود شخص در حین صدور فعل 4](#_Toc89776004)

[بحث نهم: اشتراط وجود مهان در صدق اهانت 5](#_Toc89776005)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / اکرام و تحقیر

# مقدمه

ضمن مباحث فقه روابط اجتماعی به بحث تکریم و توهین رسیدیم و در بحث اهانت پس از بیان مقدماتی و بعد ادله‌ای که حرمت را افاده می‌کرد به فروع ذیل آن پرداختیم. هفتمین مبحث در ذیل مباحث حرمت اهانت، اهانت نسبت به صبی مجنون و میت بود که پرداختیم.

مبحث هشتم این است که آیا حضور دیگران یا استماع و نظر دیگران در صدق یا حرمت اهانت دخالت دارد یا ندارد؟ همان‌طور که از سؤال استفاده می‌شود دو نحو فرض اینجاست. یکی اینکه صدق حضور دیگری یا استماع یا نظر دیگری محقق صدق اهانت باشد و حضور دیگری آیا در صدق دخالت دارد یا نه و سؤال بعدی این است که اگر در صدق دخالت نداشته باشد در حکم دخالت دارد یا نه؟

سؤال: دیگران شخص ثالث غیر از مهین و مهان است؟

جواب: هر دو را باید بحث کنیم و هر دو مقصودند.

این یک نکته است که گاهی سؤال درباره صدق مفهومی و صدق عنوان است به نحو وضع یا انصراف و امثال آن و درجه دیگر این است که اگر در صدق دخالت نداشته باشد آیا در حکم دخالت دارد یا نه؟ این یک سطح از سؤال است.

نکته دیگر در طرح این سؤال اینکه اولین مرحله سؤال این است که صرف الوجود حضور دیگری لازم است یا نه اعم از خود او یا غیر او و مرحله دیگر این است که حضور مهان لازم است یا نه. این دو سؤال است. منظر اول این است که در صدق دخالت دارد یا در ترتب حکم و منظر دوم این است که حضور فی‌الجمله شخصی لازم است یا نه یا حضور مهان لازم است یا نه؟

# بحث هشتم: اشتراط وجود شخصی در صدق اهانت

حضور فی‌الجمله کسی یعنی استماع یا نظر او به شکلی که مطلعی باشد شرط است یا نه؟ اشاره شد ولی مستقل بحث می‌کنیم. ظاهرش این است که شرط است. ثمره‌اش این است که اگر به دیگری اهانتی روا داشته شود یعنی سخنی گفته شود ولی احدی از این مطلع نیست مثلاً کسی پشت پرده در عصبانیت چیزی را راجع به کسی می‌گوید فحش یا دشنام می‌دهد و در خلوت انجام می‌دهد. اگر در جمع بود قطعاً توهین بود اما الآن احدی از آن مطلع نمی‌شود. آیا اشکال دارد یا نه؟ این مطلب اول در فرع هشتم است. آنچه می‌شود گفت دو احتمال است:

احتمال اول اینکه اشکالی ندارد. اشکال نداشتن این اقدام در خلوت به حیثی که احدی از آن آگاه نشود یکی از این دو وجه است:

1. یا اینکه اصلاً اینجا توهین و اهانت و استحقار و استخفاف یا در مصادیق خاص مثل سب صدق مفهومی ندارد. اصلاً توهین نیست. در مفهوم توهین و استحقار آگاهی دیگری به نحو صرف الوجود هرکس باشد چه مهان چه غیرش لازم است و اگر کسی حضور نداشته باشد صدق توهین نمی‌کند. ولو بدترین کلمات یا افعالی از او صادر شود که اگر در مرئی و منظر بود بعید نیست که توهین است. نیاز به قصد هم ندارد که صدق توهین کند. اما اگر در خلوت باشد و کسی از آن اطلاع نداشته باشد صدق اهانت نمی‌کند. زیرا شرط آن تعلق به کسی است که مورد توجه باشد. این شرط صدق لغوی است. این یک وجه است که در صورت عدم اطلاع اصلاً صدق لغوی نمی‌کند.
2. صدق لغوی ممکن است داشته باشد و بر صدق لغوی حضور و در مرئی و منظر بودن شرط نیست. همین‌که به حیثی است که اگر در مرئی و منظر بود می‌گفتند توهین است اینجا می‌گویند توهین است. اینجا شاید از لحاظ لغوی صدق کند. اینجا می‌گویند توهین دو نحو است آشکار و در خلوت. اگر کسی این را هم گفت انصرافش قطعی است. اهانت و استخفاف و استحقار و سب همه در شرایطی که هیچ‌کس اطلاع از آن اهانت یا عمل نداشته باشد ولو اهانت شمرده شود ولی دلیل از آن منصرف است. زیرا دلیل حرمت دیگران را می‌خواهد نگه دارد همین‌که حرمت شکسته شود حکم به تحریم می‌شود و اگر احدی خبر نداشته باشد تحریمی نیست.

لذا اینکه حرمت ندارد اولاً منصرف به صدق لغوی است ثانیاً به انصراف دلیل از این جایی که کسی اطلاع پیدا نمی‌کند.

سؤال: سب و دشمنی که با اعتقادات باشد

جواب: در کفر و ارتداد باید بحث دیگری کرد ممکن است تفاوت داشته باشد حداقل برای خود شخص. فعلاً در عناوینی که در روابط اجتماعی مطرح است بحث می‌کنیم.

احتمال دوم این است که کسی بگوید در تنهایی و خلوت هم اگر این افعال صادر شود صدق لغوی می‌کند و اگر صدق لغوی کند دلیل هم مطلق است. این ادعا قوی نیست.

## کراهت توهین در خلوت

آنچه در ارتباط با وجه دوم می‌شود گفت کراهت چنین عمل یا قول یا فعلی که کسی مطلع نمی‌شود بعید نیست. از باب اینکه لغو و لهو است. کراهت را می‌رساند. شاید عناوین متعددی برای کراهتش بشود پیدا کرد ولی برای حرمتش نه. لذا حرمت را نمی‌شود قائل شد. آنجایی که کسی آگاهی برای مسئله پیدا نمی‌کند حرام نیست ولی کراهت دارد.

سؤال: ممکن است بگوییم اهانت موضوعاً صادق نیست و به تبع حکم هم می‌آید ولی فعل در خلوت ممکن است عناوین دیگری بر آن منطبق شود مثل کفر گویی.

جواب: عناوینی که کراهت داشته باشد داریم

سؤال: نه عناوین حرمت مثل سب نبی که حرام است شاید کسی از مذاق شرع بگوید کسی که در خلوت فحش رکیک بدهد مذاق شرع گویا بددهنی را تجویز نکند

جواب: مذاق شرع در حد کراهت را می‌شود فهمید اما حرمت نه. کراهت صدور این افعال در خلوت بعید نیست ولی حرمتش را شاید نتوان گفت. شاید مواردی در خلوت هم حرام باشد مثل جسارت به خدا و پیامبر که حرام است. مثل سوزاندن قرآن. اینجا ادله داریم که حرام است. اما نسبت به مسلمان به طور عام یا انسانها حکم حرمت مستبعد است مگر اینکه جنبه شعائر و مقدسات پیدا کند. این دلیل خاص داریم. از این جهت است که جمع‌بندی ما این چند گزاره است:

1. اهانت و توهین در خلوت به نحو مطلق حرام نیست.
2. به نحو مطلق کراهت دارد.
3. در موارد خاص از جمله جایی که مقدسات و شعائر باشد حرمت بعید ایست.

سؤال: اینجا فقه روابط اجتماعی نیست

جواب: بله.

سؤال: من استهان در روایت دارد و شاید حکم الزامی داشته باشد

جواب: حرمت را نه بلکه کراهت را می‌رساند.

سؤال: ممکن است در مقدسات عنوان هتک صادق باشد

جواب: چند عنوان است. در موسوعه هم عنوان مقدسات را بحث کرده است.

سؤال: ممکن است بگوییم توهین بر حضور اجنبی منوط است ولی هتک نه

جواب: نباید فرق داشته باشد

سؤال: سوزاندن قرآن در خلوت هتک هست.

جواب: در مقدسات بله و توهین هم صدق می‌کند.

## شرط نبودن وجود شخص در حین صدور فعل

در تکمیل این بحث به یکی دو نکته توجه کنید. یکی اینکه می‌گوییم فی‌الجمله در مرئی و منظر باشد لازم نیست که در همان حین صدور فعل در مرئی و منظر باشد. اگر آنجا ضبط می‌شود و فیلم گرفته می‌شود و بعد کسی آن را می‌بیند اینجا صدق حرمت می‌کند. اگر ضبط می‌شود یا حتی ضبط هم نمی‌شود ولی طوری است که بعد کسی می‌فهمد چون همیشه به گفتن نیست بلکه به این است که نقاشی می‌کشد و بعد کسی می‌بیند این مصداق اهانت و استخفاف هست. بنابراین وقتی می‌گوییم در مرئی و منظر بودن به نحو صرف الوجود شرط است ولی باید توجه کنیم هم‌زمانی صدور فعل با کونه فی المرئی و المنظر لازم نیست. ممکن است در مرئی و منظر بعد صادق باشد. اینجا حکم حرمت می‌آید. اما اینکه حکم چه زمانی صدق می‌کند احتمالاتی دارد:

1. الآن حرمت دارد ولی مشروط به شرط متأخر است.
2. حرمت وقتی محقق می‌شود که او می‌بیند.

ممکن است احتمالات دیگری هم مطرح شود. شاید اولی بهترین باشد. الآن مترتب می‌شود ولی مشروط به شرط متأخر است. اگر شرط متأخر بیاید مشخص می‌شود که آن وقت حرام است. پس شرط است قول توهینی در مرئی و منظر باشد به شکل صرف الوجود و فی‌الجمله سواء حین صدور الفعل و القول او بعده. از طرف دیگر اعم از اینکه آن رائی و ناظر خود مهان باشد یا دیگری باشد. همین‌که رائی و ناظری بود حرمت صادق است چه مهان باشد چه غیر از او. این دو سه مطلبی که اینجا هست. مطلب دیگری که باید تکلیفش مشخص شود این است که در صدق اهانت و توهین اطلاع خود مهان شرط است یا نه؟

# بحث نهم: اشتراط وجود مهان در صدق اهانت

پس از فراغ از اینکه کسی باید رائی و ناظر باشد آیا حضور و اطلاع خود مهان در صدق لازم است یا نه؟ ممکن است کسی بگوید لازم است. وقتی اهانت صدق می‌کند که طرف باشد. ممکن است بگوییم لازم است و ممکن است احتمالات دیگری بدهیم که خود شخص باشد. اطلاع فی‌الجمله کافی است. لذا اگر اهانت می‌کند و ناظر شخص ثالثی وجود دارد و خود او تا ابد هم مطلع نمی‌شود این قطعاً حرام است. لازم نیست خود مهان رائی و ناظر باشد یا حتی مطلع شود. بله حضور و اطلاع او موجب ترتب عناوین دیگری و اشتداد عقاب می‌شود. چون موجب آزار او می‌شود. لذا در صدق و ترتب حکم حرمت حضور بلکه اطلاع مهان شرط نیست. اما اگر حضور یا اطلاع داشته باشد عقاب به خاطر عناوین دیگری بیشتر است.

سؤال: این ذهنیت باید اصلاح شود که اهانت زیرمجموعه ایذاء مؤمن است. با این بیان می‌گوییم عام و خاص من وجه‌اند.

جواب: بله. گفتیم و تصریح کردیم که ادله ایذاء جزء ادله اهانت نیستند چون من وجه‌اند. گفتیم در ادله عامه که انواع ادله‌ای داریم که نسبتی با اهانت دارند. بعضی من وجه‌اند بعضی مطلق است. دلایلی که انطباق بر موضوع اهانت ندارد بلکه من وجه است یا اخص مطلق است اگر جمع شود باعث تأکید حکم می‌شود.

سؤال: اگر شخصی در هنگام اهانت باشد می‌گویید حرام است و اگر نباشد مکروه است چرا مکروه است؟

جواب: لغو است. ممکن است ادله‌ای باشد که استهانت و استخفاف ذهنی را هم ادله شامل شود. اگر این دلیل را داشته باشیم این نیز به ادله کراهت افزوده می‌شود و حکم کراهت را می‌گوید.

سؤال: اگر بگوییم آن ادله شامل حالت راسخه درونی می‌شود حرامی پدید می‌آید؟

جواب: صرف امر قلبی حرمت نیست.

سؤال: جایی که به شخصی توهین می‌شود و شخص دیگر خبرچینی می‌کند.

جواب: عنوان سخن‌چینی است. فعل او اهانت که بوده چون مطلع بوده. اینکه به مهان منتقل می‌شود چند عنوان دیگر پدید می‌آید یکی سخن‌چینی است و دیگری اینکه فعل اول مصداق ایذاء هم می‌شود. این نیاز به تأمل دارد.

سؤال: نقطه اساسی شخص مهین است یا مهان یا محیط تربیتی؟ گروهی پیدا شوند بگویند اگر بین خودمان توهین شد ما حلال کردیم.

جواب: اهانت است و حرام است. حق‌الناس صرف نیست که ببخشید. اما اینکه راه توبه آن است یا نه برای بعد است. ولی اینکه از اول بگوید از حرمت خود دست برداشتیم حق نداشتیم. چون ادله اطلاع دارد و حق‌الناس صرف نیست.

سؤال: پس محیط را هم باید در نظر بگیریم. پس اگر تنها باشد هم محیط تربیتی آلوده می‌شود

جواب: دو مطلب است. یکی اینکه حق‌الله است و با الغاء شخص حلال نمی‌شود. مثل آبرو. اما بحث ما این بود که خلوتی است و هیچ‌کس مطلع نمی‌شود و نخواهد شد الی یوم القیامه.

سؤال: فرمودید اگر در حضور شخص دیگری به مهان غایب توهین شود حرام است و اگر خود مهان هم حضور داشته باشد حرمت تأکید می‌شود چون ایذاء است. آیا می‌شود گفت حرمت در صورت حضور شخص مهان کمتر می‌شود چون غیبت صدق نمی‌کند؟

جواب: ممکن است بعضی عناوین مثل غیبت کم شود. در غیبت نوعی اهانت هست ولی اهانت اعم از غیبت است. گاهی در غیاب مهان اهانت می‌کند ولی غیبت نیست. هرچند غیبت همیشه اهانت است چون انتقاص شخص است.

سؤال: گاهی نقد است و اهانت نیست

جواب: ملاک این است که عرف بگوید توهین می‌کند یا نقد می‌کند. در افعالی که با قطع‌نظر از قصد ملاک است. در افعالی که قصد ملاک است هم مشخص است. گاهی عرف می‌گوید اهانت است و گاهی فعل مشترک بین توهین و غیر توهین است که اگر قصد کند حرام است و الا حرام نیست. گاهی هم تفکیک سخت است و مشکوک است که باید به اصول عملیه رجوع کرد.